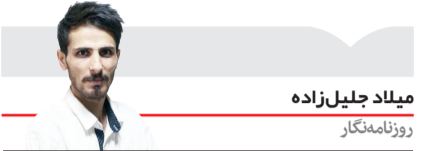


«فرهنگستان» حوادث مرگبار در سینمای ایران را مرور می کند

مرگ همین نزدیکی، پشت صحنه سینما



میلاد جلیلزاده
روزنامه‌نگار

تنو آنجلوپولوس، کارگردان مشهور یونانی، سر صحنه فیلمبرداری بود که یک موتورسیکلت رهگذر با او برخورد کرد و باعث درگذشتش شد. این خبر تمام دنیا را در شوک و حیرت فرو برد. حقیقت این است که مثال زن از مواردی شبیه به آنچه برای آنجلوپولوس رخ داده، در سینمای جهان بسیار مشکل است چون موارد این چنینی بسیار کمی را می‌شود سراغ گرفت. اما در سینمای ایران بارها چنین مسائلی رخ داده است. البته در سینمای جهان هم بحث آسیب‌پذیری‌ها یا حتی حوادث منجر به فوت عوامل در فیلم‌هایی که صحنه‌های اکشن و بدلکاری دارند، موارد متعددی دارد. به کما رفتن یک‌ساله جکی چان بر اثر سقوط از بلندی

حین بدلکاری در فیلم خودش و اتفاقاتی که برای تام کروز هنگام بدلکاری در «ماموریت غیرممکن» افتاد، از موارد مشهورتر آن هستند. بخش قابل توجهی از سوانح پیش آمده در سینمای ایران، مربوط به فیلم‌های اکشن و به خصوص آثار حوزه دفاع مقدس می‌شوند. اما سینمای جهان کم‌کم به سمتی رفت که سوانح پیش آمده بر اثر انفجار را در فیلم‌های سینمایی به حداقل رساند. این در حالی بود که تا همین چند سال پیش در ایران، از مهمات جنگی برای جلوه‌های ویژه مورد استفاده می‌شد. حادثه‌ای که سر صحنه فیلم «معراجی‌ها» رخ داد و منجر به فوت چند نفر از عوامل آن شد، پایانی بود بر این رویه اشتباه. استفاده از مهمات جنگی برای جلوه‌های ویژه سینمایی نه تنها خطرناک است، بلکه جذابیت بصری کمتری هم دارد. انفجار در سینما نیازمند رنگ و نور باشکوه است نه قدرت تخریب بالا. اتفاقی که برای پیمان ابدی، بدلکار حرفه‌ای و کارکنسته

ایرانی افتاد و منجر به درگذشت او شد، مورد دیگری در سینمای ایران بود که از یادها نخواهد رفت. ابدی بدلکار فیلم پرخرج و پر حادثه «هشدار برای کبری ۱۱» در کشور آلمان بود و جزء معدود عوامل فنی سینمای جهان با اصالت ایرانی به حساب می‌آمد که با انگیزه مدد رساندن به سینمای کشورش، برگشت و در اینجا کار کرد. اما سرنوشت تلخ او به عبرتی در این خصوص تبدیل شد که بدون رعایت اصول «ایمنی در حرفه» نمی‌توان دانش بدلکاری و جلوه‌های ویژه میدانی را به تنهایی در کشور تقویت کرد. مساله مهم دیگری که در خصوص حوادث سر صحنه فیلمبرداری وجود دارد، امور مرتبط با بیمه و حمایت از مصدومان یا خانواده متوفیان است. خانه سینما در تمام سال‌های فعالیتش اقدام صنفی موثری برای بهبود معیشت و رفاه اعضای خود انجام نداده و بحث بیمه‌ها هم جزء دیگری از این کم کاری‌هاست. باید توجه داشت



سینما فقط متشکل از هنرپیشه‌ها، کارگردان‌ها و تهیه‌کننده‌های مشهور نیست. خانه سینما به‌عنوان یک نهاد صنفی، وجهه اصلی هم‌تشر را معطوف به رتق و فتق امور مربوط به چنین مشاهری می‌کند، اما برای این طیف از افراد معمولاً دغدغه‌هایی مثل بیمه و امور جاری معیشتی کمتر مطرح است. کسی که دچار سانحه‌ای در حین انجام کار شده، لاقال باید از لحاظ مالی دغدغه‌ای نداشته باشد.

یادداشت

درباره برندگان نوبل ادبیات سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹
سیاسی، سینمایی و ادبیات

تعجب‌ها و خوشم‌ها نسبت به سال ۲۰۱۶ تقریباً صفر است. دو انتخاب برای سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ معرفی شده‌اند.

سیدمهدی موسوی تبار

روزنامه‌نگار

یکی از آنها باعث به‌وجود آمدن برخی اعتراضات سیاسی و انسانی شده و دیگری را برخی مستحق چنین جایزه‌ای نمی‌دانند. اولگ توگارچوک، نویسنده زن لهستانی و پتر هاندکه، نویسنده اتریشی، نوبل ادبیات سال ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ را از آن خود کردند. براساس آنچه نوبل گفته «یک تخیل روایی که با اشتیاق دایره‌المعارف‌گونه، نمایانگر عبور از مرزها به‌عنوان شکلی از زندگی است»، دلیل انتخاب توگارچوک، پانزدهمین نویسنده زن برنده جایزه نوبل ادبیات عنوان شده است. همچنین هاندکه با استدلال «برای یک کار تاثیرگذار که با نبوغ زبانی، حواشی و ویژگی‌های تجربه‌های انسانی را کاوش کرده» به‌عنوان برنده نوبل ادبیات ۲۰۱۹ معرفی شده است. نکته جالب این‌که رشته تحصیلی توگارچوک، روانشناسی است و پتر هاندکه در رشته حقوق درس خوانده است.

پس از رسوایی

از انتخاب باب دینل، سه سال می‌گذرد اما همچنان کسانی هستند که پس از آن انتخاب، دیگر جایگاه بالایی برای نوبل قائل نیستند. هرچند در تاریخ پرفراز و نشیب نوبل، شخصیتی مانند چرچیل هم جایزه نوبل ادبی سال ۱۹۵۳ را به‌خاطر «چهره‌دستی‌اش در توصیف وقایع تاریخی و زندگی‌نامه‌ای و نیز فصاحت بیانش در دفاع از آرمان‌های والای انسانی» به دست آورده است. انتخاب‌های نوبل معمولاً همراه با حاشیه بوده است؛ از پذیرفتن جایزه تا مشکلات اخلاقی یا سیاسی. یکی از این حاشیه‌ها مربوط به سال گذشته بود و منجر به عدم معرفی برنده سال ۲۰۱۸ شد؛ رسوایی ژان کلود آرتو، کارگردان و همسر کاتارینا فرستسون که در رابطه نزدیک با آکادمی نوبل در سوئد قرار داشت. می‌گویند آرتو طی سال‌های اخیر، ۱۸ زن را که عضو آکادمی یا همسر و دختر اعضای آکادمی سوئد بوده‌اند، مورد سوءاستفاده جنسی و آزار قرار داد. علاوه بر آن او هفت‌بار نام برندگان جایزه نوبل را که باید مخفی می‌ماند، فاش کرد و برای گرداندن یک کلوب فرهنگی که سرپرستی آن را برعهده داشته، از پول آکادمی استفاده کرده بود.

نسل‌کشی و سینما

از برنده اسامیل شروع می‌کنیم، کسی که سابقه دفاع از یک دیکتاتور را دارد. پتر هاندکه در سال ۲۰۱۴ خواستار عدم برگزاری و برانداخته شدن جایزه نوبل ادبیات شده بود. در مراسم تدفین اسلوبودان میلوشویچ، رئیس‌جمهور سابق صربستان حاضر شده و با صرب‌ها در جنگ یوگسلاوی در دهه ۹۰ میلادی همدردی کرده بود. میلوشویچ در حالی درگذشت که به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه می‌شد و از هاندکه خواسته بود در دفاع از او شهادت دهد؛ پتر هاندکه نیز در مقابل هزاران نفر در مراسم تدفین او سخنرانی کرد. این اقدام هاندکه البته بی‌سابقه ماند و زمانی که وی در سال ۲۰۱۴ برای دریافت جایزه ایسن به نوروز رفت، عده‌ای با پلاکاردهایی با عنوان فاشیست و انکارکننده نسل‌کشی از او استقبال کردند. دریافت نوبل توسط هاندکه واکنش‌هایی را به همراه داشت؛ میها لازینی، رمان‌نویس و فیلمنامه‌نویس اسلونیایی در واکنش به انتخاب هاندکه گفت: «برخی نویسندگان روح خود را به ایدئولوژی، برخی به نفرت و برخی دیگر به قدرت و پول فروختند، اما آنچه بیشتر از همه مرا آزرده می‌کند ساده‌لوحی هاندکه در مقابل رژیم میلوشویچ بود.» جنیفر ایگان، داستان‌نویس آمریکایی و رئیس سازمان ادبیات و حقوق بشر انجمن قلم آمریکا نیز در بیانیه‌ای اعلام کرد: «از انتخاب نویسنده‌ای که از صدای عمومی خود در جهت نادیده گرفتن حقایق تاریخی استفاده کرده و از عاملان نسل‌کشی چون اسلوبودان میلوشویچ، رئیس‌جمهور سابق صربستان حمایت کرده، حیرت زده شدیم. ما تصمیم آکادمی سوئد مبنی بر اعطای جایزه نوبل ادبیات و تمجید از نبوغ زبانی فردی که مصراة مستندات جانبیان جنگی را انکار کرده است، نمی‌پذیریم.» البته تمام فعالیت‌های هاندکه به سیاست ختم نمی‌شود. او در سینما هم آثاری از خود به جای گذاشته است، نگارش فیلمنامه «بهشت بر فراز برلین» که توسط ویم وندرس، کارگردان مطرح سینما تبدیل به فیلم شد از این جمله است. برخی از آثار هاندکه عبارتند از: ۱. ترس دروازه‌بان از ضربه پناستی ۲. داستان کودکان ۳. بر فراز دهکده‌ها ۴. بیمودن دریاچه کنستانس ۵. نامه کوتاه ۶. وداع طولانی ۷. ماجراهای مدام ۸. زن چپ‌دست

پانزدهمین زن نوبلی

از مجموعه ۱۱۴ جایزه تاریخ نوبل فقط ۱۴ نویسنده زن حاضر بودند و توگارچوک پانزدهمین نویسنده زنی است که موفق به دریافت جایزه نوبل شد. اولگا توگارچوک ۵۷ ساله تاکنون برنده چند جایزه معتبر شده و آثارش در لهستان مخاطبان زیادی دارد. وی در دانشگاه ورشو، رشته روانشناسی خوانده است و علاقه‌اش به ایده‌های کارل یونگ در همه آثارش هویداست. نخستین اثر وی، مجموعه شعری بود که در سال ۱۹۸۹ منتشر شد، پس از آن توگارچوک، هشت رمان و دو مجموعه داستان کوتاه به نگارش درآورد. پروازها، اولین داستان این نویسنده است که به زبان انگلیسی ترجمه شده است. ارائه مفهوم سفر در قرن‌های مختلف، موضوع اصلی کتاب پروازها است و برای نویسنده لهستانی جایزه بوکر بین‌المللی سال ۲۰۱۸ را هم به ارمغان آورد. علاوه بر این داستان‌هایی چون «سفر کتاب‌مردم» و «کتاب جیکوب» را هم به نگارش درآورد. برخی معتقدند جوایز نوبل متأثر از اتفاقات غیرادبی و حتی سیاسی است و نمونه‌های سال‌های اخیر این مدعا را ثابت کرده است. اما نکته مهم این است که این برندگان در کشور ما مورد اقبال عمومی قرار می‌گیرند و ناشران هم با همین نگاه سراغ مترجمان نامی می‌روند و از ترکیب این دو، سود سرشاری برای خود ایجاد می‌کنند؛ فارغ از اینکه آیا برندگان نوبل براساس شایستگی‌ها انتخاب شده‌اند یا خیر. نویسنده‌هایی که دو دهه اخیر بوده‌اند که جایزه نوبل برده‌اند و بعد با وجود فعالیت، فراموش شده‌اند و نویسندگانی هم دیدیم که جایزه‌ای نبرده‌اند و طرفداران و منتقدان راضی از خود را همراه دارند. سوال اساسی این است که هنوز هم می‌توان نوبل را نقطه پایانی و قله آثاری یک نویسنده دانست؟

شلیک به کارگردان



سال ۷۳، سیدعلی سجادی حسینی تصمیم گرفته بود اولین فیلم دفاع مقدسی خود را بسازد. اما حادثه‌ای تلخ، مانع از حضور او تا پایان فیلمبرداری این اثر شد. بیست‌وششم مهرماه هنگامی که علی سجادی حسینی با گروه خود سرگرم آماده کردن صحنه فیلمبرداری بود، ناگهان گلوله‌ای از سلاح‌های موجود در صحنه، خارج و بر پیشانی وی نشست که باعث کشته شدنش شد. فیلم «خط آتش» توسط برادرش فرید سجادی حسینی به اتمام رسید. به دلیل فضای داستانی این کار، سربازی هر روز تعدادی اسلحه با تیرهایی مشقی برای بازیگران می‌آورد و پس از پایان کار، آن اسلحه‌ها را تحویل می‌گرفت. در یکی از این روزها، سرباز اشتباهاً اسلحه خود را با تیرهایی واقعی با اسلحه مورد نظر فیلمبرداری، به دست بازیگر می‌دهد و همین امر سبب می‌شود تا حین تمرین، بازیگر، گلوله را به پیشانی حسینی شلیک می‌کند و متأسفانه این کارگردان در دم، جان خود را از دست می‌دهد؛ اتفاقی که در نتیجه یک بی‌مالتی به وقوع پیوست.

مین‌های قاتل



۱۴ شهریور ۱۳۷۴، قاسم دهقان که علاوه بر بازیگری در «قطعه‌ای از بهشت»، طراح صحنه و مشاور نظامی پروژه نیز بود، چند بار صحنه‌ای که قرار بود برداشت شود را تکرار کرد. او باید مسیری را می‌دوید و در نهایت، خود را درون گودالی پرت می‌کرد. صحنه‌های آزمایشی، خوب از آب درآمد و گروه مصمم بود صحنه را فیلمبرداری نهایی کند. همه چیز طبق برنامه پیش رفت، اما متأسفانه زمانی که دهقان، خود را به گودال پرتاب کرد، درون گودال، مین‌های خنثی نشده از زمان جنگ قرار داشت که منجر به شهادت قاسم دهقان شد.

خدا حافظ رفیق



سال ۸۲، در یکی از سکانس‌های فیلم سه اپیزودی «خدا حافظ رفیق»، چهار هنرمند با تجهیزات نظامی کامل قصد انجام وظایف خود در دریاچه مصنوعی شهرک سینمایی دفاع مقدس را داشتند که طی سانس‌های، هر چهار نفر که قرار نبود داخل آب بروند، به داخل دریاچه افتادند و به دلیل سنگین بودن تجهیزات نظامی متصل به لباس‌هایشان، متأسفانه همه‌شان به قعر دریاچه فرو رفته و غرق می‌شوند.

درشکه مرگ



«فصل پنجم» عنوان نخستین فیلم «رفیع پیتر» است. شاهرخ غیائی قرار بود یکی از نقش‌های نه‌چندان مهم این فیلم را بازی کند. صحنه حادثه به این ترتیب بود که غیائی باید سوار بر درشکه‌ای، حدفاصل یک فضای سبز را ببیماید، اما گروه، فکر رم کردن اسب را نمی‌کردند؛ اسب درشکه رم کرده و در میانه کار، غیائی را با سرعت به بیرون پرت می‌کند و متأسفانه این بازیگر که در چند فیلم، توانایی‌های خود را به اثبات رسانده بود، بر اثر این حادثه، دیده از جهان فرو بست.

تلخی ابدی برای سینمای ایران



با ورود پیمان ابدی به ایران، مقوله بدلکاری در سینما خیلی جدی‌تر شد. حتی یک آموزشگاه تدریس بدلکاری هم راه‌اندازی کرد و امیدهای بسیاری در زمینه اعتلای این شاخه از سینما به وجود آمد. اما متأسفانه به دلیل کمبود شرایط سخت‌افزاری سر صحنه‌های آثار سینمایی، حادثه تلخی را برای بدلکار «هشدار برای کبری ۱۱» رقم زد. پیمان ابدی در صحنه‌ای از تله فیلم «چشم‌های نامحسوس»، باید کونکل مولوتفی را روشن می‌کرد و داخل یک اتوبوس می‌انداخت و سپس از آن بیرون می‌پرد، اما متأسفانه بار اول فنک عمل نکرد و به این ترتیب اتوبوس به انتهای مسیر رسید. او دیر خود را از اتوبوس پرت کرد و در نتیجه ضایعاتی بسیار دردناک برای سینمای ایران رخ داد که همچنان در یاد سینماگران ایران باقی است.

پشت صحنه همچنان جان می‌گیرد



صبح دیروز ۲۱ مهرماه، مهدی جعفری، طراح صحنه پروژه تلویزیونی «خواب زده» به دلیل سوختگی ناشی از حادثه در پشت صحنه این سریال درگذشت. الهام غفوری، تهیه‌کننده سریال خواب زده درمورد وقوع این حادثه دلخراش گفته است: «کار ما در آن لوکیشنی که وحید جعفری دچار سوختگی شد، تمام شده بود و همه عوامل به خانه‌های خود رفته بودند. آن لوکیشن باید برای فیلمبرداری بعدی آماده می‌شد. او و ای‌مداد: «همه گروه بیرون آمدند بودند نمی‌دانم چطور شده که وحید جعفری دوباره به لوکیشن بازگشته است، اما ما احتمال می‌دهیم در آن لوکیشن گاز پیچیده و او دچار سوختگی شده است.» گفتی است وحید جعفری دچار سوختگی ۸۵ درصد شده بود و بعد از یک روز کما، درگذشت.

معراجی‌های سینما



صبح چهارشنبه ۱۸ دی‌ماه، در حالی که مراحل پایانی فیلم «معراجی‌ها» در حال انجام بود، در پشت صحنه این فیلم، در شهرک سینمایی دفاع مقدس انفجاری رخ داد که بر اثر آن، پنج نفر از عوامل و هنرمندان این سریال جان باختند. علی اکبر زنجیر مدیر شهرک سینمایی دفاع مقدس، جواد شریفی‌راد مسئول جلوه‌های ویژه، رضا فرجی دستیار تولید، مهدی مرادی جلوه‌های ویژه و جمشید اصفهانی فر نگهبان از کشته‌شدگان این حادثه بودند. حادثه‌ای که در پی نبود امکانات مربوط به صحنه‌های انفجاری و دلایل دیگری چون سهل‌انگاری رقم خورد.